



# دل های مردم دست خداست ...

امام خامنه ای

در این شماره خواهید خواند :

- ✓ فرزندان ناخوانده
- ✓ معمار تمدن
- ✓ قهرمان قدس
- ✓ از صعود تا سقوط
- ✓ معلم و گام دوم
- ✓ ما و انتخابات
- ✓ معرفی کتاب

انجکاسی

## فرزند ناخوانده

آموزش و پرورش اسباب بازی مسئولان دولتی شده است این کانون خلق آینده، این مهمترین نهاد حاکمیتی که در هر کشوری به هر نظامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و به شدت تأمین مالی می شود در کشور ما با همت والای مسئولان دولتی و مجلسی تبدیل به یک وزارتخانه بی اهمیت شده است که فقط برای کاهش هزینه های دولت کارایی دارد. این بی اهمیتی و سلیقه ای عمل کردن در آموزش و پرورش در لایحه بودجه ۹۹ کاملاً مشهود است لایحه خطرناک که می شود به بیش از ۱۰ مشکل اساسی در آن اشاره کرد.

مشکلاتی که هر کدام به تنهایی می تواند آسیب های جدی را با استفاده از وارد کند که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد.

۱. روزگاری است اصرار دولت بر نگاه هزینه ای به آموزش و پرورش، نیز تأکید چند باره ایشان نسبت به توسعه خرید خدمات آموزشی، نگرانی دلسوزان این عرصه را دو چندان کرده است.

پس از رد پیشنهاد دولت در لایحه بودجه ۹۸، مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی سالیانه تعداد دانش آموزان تحت نظر خرید خدمت توسط نمایندگان محترم مجلس، طرح مجدد آن در لایحه بودجه امسال و اهتمام جدی بر گسترش هر چه بیشتر آن با توجه به افزایش ۱۰۷ درصدی بودجه مربوط به این طرح ما را بر آن گمان برد که گویی دولت کمر همت برای فلج کردن پایه های آموزش و پرورش بسته است.

از دیگر نکات حایز اهمیت این موضوع تفاوت فاحش سرانه دانش آموزشی بین دو دسته مدارس عادی و مدارس خرید خدمت می باشند. سوال اینجاست با چه استدلالی سرانه دانش آموزی مدارس عادی در مقطع ابتدایی بیش از ۳ برابر و در مقاطع بالاتر تا ۷ برابر دانش آموز خرید خدمتی هم رسیده است؟؟

حال آن که اصل طرح با نص صریح قانون اساسی (اصل ۳۰ ام) و نیز چهارمین راهبرد کلان مندرج در سند تحول «توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تأکید بر توانمند سازی معلمان و دانش آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت های تربیتی هماهنگ با نظام معیار اسلامی» در تضاد آشکار است.

اما طی سال های اخیر شاهد آن هستیم که دولت با هر شیوه و طریقی که هست سعی در شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت آموزش عمومی دارد.

۲. نکته دوم سهم بیش از دو برابری هر دانش آموز دوره دوم متوسطه نظری، نسبت به سهم هر دانش آموز دوره ابتدایی است که این نیز یکی دیگر از شاهدان ادعای بی توجهی دولت به سند تحول بنیادین در فرایند بودجه ریزی است. در راهکار ۲/۱۲ سند تحول بنیادین بر «فراهم آوردن تسهیلات و امتیازات مناسب برای جذب و نگهداشت نیروهای کارآمد در دوره ابتدایی و تقویت نگاه تخصصی زیربنایی به این دوره تحصیلی» تأکید شده است.

۳. ابهام در میزان درآمد واقعی دولت از محل شهریه دریافتی توسط مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی است. اگرچه طبق ماده ۲۰ قانون تاسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیر دولتی مصوب ۱۳۹۵، دولت اجازه برداشت ۴٪ از محل مذکور را دارد اما بررسی لایحه بودجه ۹۹ نشان میدهد میزان دریافتی از این منبع تنها حدود ۱٪ آن را شامل می شود.

۴. دولت درآمد اختصاصی از دانشگاه فرهنگیان را در لایحه بودجه ۹۹ تا سقف ۵۰۰ میلیارد تومان افزایش داده، حال آن که درآمد ناشی از همین محل در قانون بودجه ۹۸ حدود ۱۶۰ میلیارد تومان بوده است. عقل سلیم حکم می کند منابع حاصل از این میزان افزایش درآمد از دانشگاه فرهنگیان در بودجه صریحاً بیان شود. چرا که تاکنون این دانشگاه به جز کسر از حقوق ماهیانه دانشجویان، منبع اعتبار قابل توجه دیگری نداشته که همین نیز از منظر ما محل اشکال است.

۵. کاهش چشمگیر و زیان بار بودجه مربوط به کیفیت بخشی به فعالیت های آموزشی و پرورشی و توسعه عدالت آموزشی به میزان ۴۵/۳۶



درصد. لازم به توضیح است در شرایط فعلی بودجه سنوات گذشته در این حوزه بسیار ناچیز بوده و با تقلیل بیش از یک سومی آن به نظر می رسد که دولت بنای به تعطیلی این قسمت در نظام آموزشی دارد.

۶. کاهش معنادار بودجه برنامه پیشگیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان به میزان ۷۶ درصد که این به معنای نگاه کاملاً سطحی دولتمردان به بخش های مختلف این وزارت خانه است که اگر نبود دیوار کاهش بودجه آسیب های اجتماعی را تا این میزان کوتاه نمی دیدند، خصوصاً در شرایطی که خبرهای ناخوشایند کم شدن سن بسیاری از آسیب ها و فسادهای اجتماعی، توجه و پشتیبانی بیش از پیش از نظام تعلیم و تربیت می رود، خبر فوق بی توجهی به این حوزه را نشان می دهد.

۷. در آخر موارد دیگری از جمله لحاظ نشدن بودجه مورد نیاز جهت تامین پاداش بازنشستگان، استخدام حق التدریسی ها، آموزش استخدامی های ماده (۲۸) مطابق اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، همه و همه لایه ای از غبار بر وضعیت سال آینده آموزش و پرورش نشانده است.

اسحاق روستا

## معمار تمدن

جامعه ی ایران هم مستقلاً و هم به تبع جامعه ی جهانی در حال گذار است. این گذار را می توان از حیث گذار صنعتی به فراصنعتی همچنین از حیث گذار مدرنیسم به پست مدرنیسم مورد بررسی قرار داد. در شرایط گذار، کارکرد ها، نقش ها و جایگاه های موجود در جامعه دچار تغییر یا حتی تولد و مرگ می شوند. جایگاه معلم نیز به تبع این شرایط، دست خوش تغییر می گردد. در دوران صنعتی که نقش مدرسه تربیت شاگردانی برای کار در کارخانه یا ادارات به منظور انجام کار های تکراری در زمانی طولانی بود، مدارس کارکرد تولید نیروی کار برای این شرایط را داشتند و از این رهگذار، بازتولید اجتماعی نیز محقق می شد. اما در دوران فراصنعتی امروز که آهنگ پرشتاب تغییر، ناپایداری های اجتماعی و فرهنگی را رقم زده است، تداوم آن سبک از مدرسه که به زعم الوین تافلر، مدرسه ی مدل کارخانه ای است، راه به جایی نمی برد. دانش آموز در این دوران، معلم را به عنوان عقل کل و دانای محض نمی پذیرد و معلم نیز نمی تواند او را مجاب کند تا مطالبی را که فایده ی آن در زندگی دانش آموز هویدا نیست دائماً حفظ کرده و مورد آزمون قرار گیرد. در این میان، اگر معلم به هر دلیلی نتواند خود را با آهنگ پرشتاب تغییر جامعه ی فراصنعتی هماهنگ کند و هنوز در چالش هایی مانند «منوعیت همراه داشتن موبایل در مدارس» فرو بماند، قافیه را باخته است و این ناکارآمدی، ضمن تقلیل جایگاه معلم، موجب رشد بیشتر مدارس غیر دولتی و موسسات کنکور می شود. شایان توجه است که رشد این موسسات، به دلیل تمرکز صرف بر آموزش و نادیده انگاشتن پرورش معنوی و فرهنگی دانش آموزان، دقیقاً در تقابل با نظام تربیت اسلامی قرار میگیرد. بنابراین در نظام آموزشی، معلم به عنوان اساسی ترین عنصر دارای جایگاه ویژه ای است. به گونه ای که ژاپنی ها (به عنوان نمونه ای موفق) باور دارند که شایستگی هر نظام آموزشی منوط به شایستگی معلمان آن است.

رضا رامندی

## ❖ از صعود تا سقوط

## ❖ قهرمان قدس

صبحگاه جمعه ۱۳ دیماه ۱۳۹۸ شهادت سردار سلیمانی ۱۷ دیماه، جان باختن تعدادی از مردم کرمان در جریان تشییع پیکر سردار سلیمانی. صبحگاه چهارشنبه ۱۸ دیماه، سقوط هواپیمای اوکراینی حامل مسافران ایرانی و غیر ایرانی... این وقایع می توانست در طول یک و حتی چند سال برای یک کشور روی دهد اما به دلیل شرایط خاص و جو حاکم بر محیط در یک هفته ایران آبستن مصیبت های سنگین و نا باور می گردد. اندکی تامل درباره این رویداد ها آدمی را متوجه زنجیره ای از جریان و نفوذ ها می کند.

هنگامی که سخن از اخراج آمریکایی ها از عراق به میان آمد و قرار بر این شد که مردم عراق در تظاهرات میلیونی متحد شرکت کنند، ناگهان با جور کردن چند بهانه التهابات عراق به شدت افزایش پیدا کرد. در این تشدید بحران ها شما هیچ آمریکایی با لباس نظامی یا شخصی در صحنه مشاهده نمی کنید بلکه عده ای هستند که اهل عراق بوده و با شعار های زیبا و آزادیخواهانه، شعارهایی که بهانه ای برای تخریب هرچه بیشتر عراق و درگیر شدن بیشتر آنها با یکدیگر و در نتیجه مشغول شدن به خود و غفلت از اخراج آمریکایی ها از عراق شد. البته که این جریانات مسبوق به سابقه هستند. در کشور های مختلف وقتی که منافع آمریکا و شرکانش به خطر افتاده به یکباره اتفاقاتی رخ داده و با ریختن عده ای به خیابان ها درگیری هموطن با هموطن راه افتاده است! از جمله در ایران پس از تشییع میلیونی شهید سردار سلیمانی به بهانه سقوط هواپیما تلاش شد تا کشور بهم بریزد و مردم به جان یکدیگر بیفتند، به خصوص توسط هموطنانی که دو تابعیتی بوده و یا پاسپورت آمریکایی داشتند! کاش بیشتر به این مسئله می پرداختیم که هنوز مسئولین مربوطه نمی آیند و توضیح دهند که به چه دلیلی، چه عقلی، چه منطقی و به چه حقی در زمانی که کشور در آماده باش جنگی قرار گرفته بود اجازه داده شد تا پرواز های معمولی بر فراز آسمان ادامه پیدا کند؟! یکبار با هم مرور کنیم که بر ما چه گذشت: بعد از ترور ناجوانمردانه سپهبد قاسم سلیمانی، کفه مقاومت سنگین شد. سونامی شگفت آوری در دفاع از مقاومت در داخل و خارج از ایران به راه افتاد و خیزش ملی و منطقه ای و جهان اسلام به طرز شگفت آوری علیه جنایت آمریکا شکل گرفت. در این میان جریان غربگرای داخلی و آمریکا به شدت منزوی می شود. به ناگاه مشاور رسانه ای روحانی، در اوج انتقام و خونخواهی مردم، درباره مذاکره با آمریکا توهیت می زند. توهیت شخص روحانی در اشاره عجیبش به هواپیمای مسافربری نیز از دیگر مواضع ابهام برانگیز بود. پس از آن دعوت به تجمع و آشوب خیابانی با هدف زنده کردن اغتشاشات آبان ماه و به بهانه سوگواری برای جانباختگان سقوط هواپیمای اوکراینی برگ دیگری از سناریوی آمریکایی را آشکار کرد. دستگیری سفیر انگلیس در ناآرامی های تهران، توبیت های حمایتی ترامپ و برخی از سناتورهای آمریکایی و نیز مقامات اروپایی از اغتشاشگران نشان از ورود مستقیم دولت خبیث انگلیس و دیگر کشورهای غربی در لیدری، ساماندهی آشوب ها و برنامه ریزی میدانی آنان برای انتقام از جبهه مقاومت در کف خیابان های تهران دارد. در بحبوحه این اغتشاشات نمی توانیم کمک های مالی آمریکا به شرکت های فیلترینگ و معافیت از تحریم این نوع از شرکت ها را نادیده بگیریم! چرا که دولت آمریکا علاوه بر پشتیبانی از نرم افزارهای مقابله با فیلترینگ، در تلاش است تا ابزارهای تازه برای ارتباط بدون اینترنت را هم پشتیبانی کند. از جمله این ابزارها نرم افزارهای پیام رسان بلوتوث و نظیر به نظیر است.

تفکر درباره این جریان ما را متوجه اهداف برانداز و نفوذ در داخل کشور می کند اهدافی همچون:

۱. هجمه به سپاه به عنوان نیروهای مسلح و رهبری به عنوان فرمانده کل قوا
۲. کوبیدن بر طبل مذاکره و سازش در عین تخریب منطق مقاومت در پایان با عنایت به نزدیک بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی، می طلبد تا مردم غیور و آگاه ایران همچون همیشه پیش تر از مسئولین گام های خویش را استوار نموده و با انتخاب اشخاصی که باور به نصرت الهی دارند پیروزی مقاومت بر زورگویان عالم را نهایی سازند...

"باید قوی شویم"

حاج قاسم سلیمانی (۱۳۳۵-۱۳۹۸ش) متولد رابر از توابع کرمان در ایل عشایر سلیمانی در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ به دنیا آمد. او در حوادث انقلاب اسلامی ایران با سید رضا کامیاب (روحانی و نماینده مشهد در اولین دوره مجلس شورای اسلامی) آشنا شد و پا به عرصه انقلاب گذاشت. حاج قاسم از گردانندگان اصلی راهپیمایی ها و اعتصابات کرمان در زمان انقلاب بود. ایشان پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه درآمد. با شروع جنگ ایران و عراق چند گردان را آموزش داد و به جبهه ها فرستاد. در طول دوران زندگی بابرکتش عهده دار مسئولیت های فرماندهی سپاه آذربایجان، فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله و از فرماندهان عملیات های والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ در طول دوران جنگ و مبارزه با اشراک و شبکه مواد مخدر در مرز های شرقی ایران بوده است. حاج قاسم در سال ۱۳۷۹ به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد و در این مقام به ایفای نقش در زمینه های بیداری اسلامی، نابودی گروهک تکفیری صهیونیستی داعش و انقلاب یمن پرداخته است. ایشان در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۸ به دست نیرو های تروریستی آمریکا به شهادت رسید.

### ترور

اتفاق تلخی که کام همه ما را چند هفته است که تلخ کرده، شاید من هنوز هم باور نمیکنم که او شهید شده است. خواستم از فقدان شهید و ضربه ای که به مقاومت خورده صحبت کنم اما با دیدن برکات شهادت آن شهید بزرگوار که همانند حیات مبارکش شهادتش نیز سراسر برکت بود حقیقتا چیزی نتوانستم بگویم. خواستم از نبودش صحبت کنم اما با دیدن این همه تاثیر دریافتم که زنده تر از شهید سلیمانی نداریم، مگر میشود انسانی زنده نباشد و این همه تاثیر گذار باشد. اما حول این اتفاق چند موضوع مطرح است که یکی پیامد های این ترور است.

اول اینکه مردم با تشییع بسیار با شکوه آن شهید والا و همزمانش تجدید میثاق مجدد خود با آرمان های انقلاب و جبهه مقاومت را اعلام نمودند و رسماً پدید آمدن هزاران قاسم سلیمانی دیگر را که هر کدام لریزه به اندام آمریکا می اندازند را فریاد زدند.

دوم اینکه حمله موشکی به پایگاه عین الاسد و تاجی در عراق که با موفقیت کامل انجام شد و حاوی پیام مهمی به استکبار و اذنباب منطقه ای آن بود و نشان داد اگر جمهوری اسلامی بخواهد و اراده کند هر نقطه ای را با دقت بسیار بالا نابود خواهد کرد.

سومین پیامد اینکه ایران اسلامی دیگر ملاحظات گذشته را کنار خواهد گذاشت و عواقب هرگونه نزدیک شدن نا ایمن به مرز های آبی، زمینی یا هوایی ایران با انهدام وسیله متخاصم پایان خواهد پذیرفت.

چهارمین پیامد اینکه محور مقاومت بیدار شد و این شهادت مانند خونی تازه در رگ های مقاومت جوشید و اتحاد خوبی پدید آورد. مجموع پیامد های بالا باعث مهمترین و نهایی ترین نتیجه میشود که خروج کامل آمریکا از منطقه و پایان اشغالگری های اوست. اما چه چیزی باعث این تصمیم اشتباه ترامپ شد؟

امام صادق می فرمایند: خدا را شکر که دشمنان ما را از احق ها آفرید. شاید ترامپ فکر افزایش عمر اسرائیل را داشته که آنچه مشخص است جوشش و خروش محور مقاومت و تمام آزادی خواهان جهان است که نوک تیز تنفرهای پدید آمده به سمت اسرائیل است پس این هدف تحقق نیافته.

شاید به گفته خودش برای ایجاد امنیت برای آمریکایی ها بوده، که باید گفت بعد از این اتفاق شاهد پاسخ سخت ایران بودیم که روز به روز آمریکایی ها آمار بیشتری را برای حادثه دیدگان این حمله اعلام میکنند و همچنین تعداد حملات به نیروهای آمریکایی در سراسر منطقه افزایش یافته، پس عکس این هدف اتفاق افتاده است. شاید قصد او انتخابات آمریکا بوده، که این هدف نیز با پاسخ موشکی ایران و فرو ریختن هیمنه آمریکا که در حال حاضر جنگ طلب ترین دولت تاریخش را دارد و این دولت وعده پاسخ متقابل داده بود نیز عملاً تحقق نیافته. شاید اهداف دیگر... ولی هرچه که هست مطمئناً آمریکا به اهدافش نرسیده و این نکته به ذهن متبادر میشود که این تصمیم احمقانه ترامپ به جز خودزنی، چیز دیگری نبوده است و اینجاست که به مصداق فرموده امام صادق پی می بریم.

حسین فخاری | امیر نجفی

رضا اعرابی

## معلم و گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب منشور نظام تعلیم و تربیت است، در این بیانیه بیش از هر چیزی به نسل جوان، علم و دانش تاکید شده و این نشانه نقش محوری معلمان در آینده کشور است.

از محور های عملی نمودن بیانیه گام دوم انقلاب می توان به این موارد اشاره کرد: جایگاه، ظرفیت ها و فرصت های آموزش و پرورش در گام دوم انقلاب اسلامی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقش آن در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش، گسترش و توسعه دانشگاه فرهنگیان و نقش آن در تربیت معلمان جوانان انقلابی، تکریم و ارتقای منزلت معلم در جامعه و نقش آن در ارتقای سرمایه انسانی شایسته در کشور، تربیت معلم در تراز انقلاب اسلامی با استفاده از رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، معرفی شاخص های معلم نمونه انقلابی با نگاهی به سیره و زندگی شخصیت شهید علامه مطهری به عنوان معلم الگو و توجه به کانون خانواده و تقویت ارتباط خانواده با مدرسه برپایه سبک زندگی اسلامی و ایران از جمله محورهای عملی نمودن گام دوم انقلاب است. رسیدن به قله های رفیع علم و دانش محقق نمی شود مگر اینکه سند تحول در نظام آموزش و پرورش اجرا شود. تأکید رهبری در این بیانیه بر حضور جوانان و نخبگان علمی و فرهنگی جامعه از جمله معلمان و دانش آموزان است که در این زمینه نیز آموزش و پرورش پیشگام رساندن کشور به اهداف و برنامه های مورد نظر در این سند مهم و راهبردی ملی است.

یکی از طرح های بیانیه ی گام دوم انقلاب ، معلم آینده ساز است . هدف طرح معلم آینده ساز این است که معلمان مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه آسیب های اجتماعی را با دانش آموزان در میان بگذارند و به سمت و سویی بروند که انشالله این مشکلات حل شود. اگر جامعه را به اجزای درخت مدنظر قرار دهیم، دانش آموزان به عنوان ریشه و معلمان نگهبانان و حافظان ریشه این درخت هستند، چنانچه معلمین به درستی کارشان را انجام ندهند و ریشه فاسد شود بسیار مخرب بوده و اثرات غیر قابل جبران تر نسبت به سایر بخش های آن جامعه است. مقام معظم رهبری نیروی انسانی را بزرگ ترین سرمایه کشور دانسته و تعلیم و تربیت را رکن اصلی تمدن سازی معرفی نمودند. بیانیه گام دوم نیز در راستای تمدن سازی بر سه عنصر کلیدی: «تربیت و مسئولیت پذیری جوانان کشور» (چهل بار جوانان مورد خطاب قرار گرفته اند)، «جایگاه علم و پژوهش» و «خودسازی و جامعه سازی و تمدن سازی» استوار است و روح حاکم بر این سه نکته کلیدی توجه ویژه به نظام تعلیم و تربیت و مشخصا آموزش و پرورش بوده و تضمین تحقق هفت توصیه انتهایی بیانیه نیز مشروط به تحول بنیادین در نظام آموزشی و تربیتی کشور است. بیانیه گام دوم انقلاب از جنس بخشنامه و آیین نامه نیست که از سطوح بالایی و ستادی کشور به سطوح پایینی و صفی کشور ابلاغ شود، بلکه این بیانیه از ضرورت ها، باید ها و نبایدها سخن گفته و در حقیقت نقشه راه آینده کشور است و نظام آموزشی و تربیتی کشور بی تردید بیشترین نقش را در تحقق این بیانیه دارد. جمهوری اسلامی در گام دوم به نظام آموزشی و تربیتی تحول آفرین نیاز دارد و مادامی که خود نظام آموزشی و تربیتی کشور، نوسازی و متحول نشود، قطعاً توان تحول آفرینی و اشاعه تفکر تحول گرا را نخواهد داشت.

اگر باور داریم که آموزش و پرورش زیربنایی ترین نهاد جامعه است و رشد و تعالی نیروی انسانی کشور در گرو توجه به آموزش و پرورش است باید دقت داشته باشیم که تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه رسالت های معلمی نیازمند توجه ویژه مدیران عالی این دستگاه به مفاد و محتوای این سند است. زیرا محصول تلاش معلم پایه ریزی تمدن نوین، ساختن هویت و فرهنگ یک ملت است و چیزی والاتر و با اهمیت تر از تمدن و هویت سازی در گام دوم انقلاب اسلامی وجود ندارد.

### علی فصیحی

## ما و انتخابات

به گروهی در تلگرام دعوت شدم، انتخاباتی بود. از دوستم پرسیدم داستان چیست؟ گفت: فلان عضو گروه قرار است "بعد از انتخابات" رئیس منطقه X آموزش و پرورش قزوین شود. گفتم: هنوز که صلاحیت ها اعلام نشده است، از کجا معلوم این کاندید که هنوز تأیید صلاحیت نشده، تأیید شود، رای هم بیاورد، اصلاً فلان عضو گروه رئیس شود، تهش چه به ما می رسد؟

گفت: قول داده که انتقالی ما را ردیف کند! از سادگی هم دانشگاهی های خودم ناراحتم، اما قصد اشاره به این موضوع را ندارم.

در تحولات اجتماعی-سیاسی مانند انقلاب ها، معلم ها نقش قابل توجهی دارند و همچنین مدارس محل توجه انقلابیون بوده است. انتخابات هم از این قائله مستثنی نیست. تابحال به این فکر کردید که چند نفر از کاندید های شورا معلم هستند؟ چند نفر از کاندید های مجلس فرهنگی بودند؟ چرا «فرهنگی بودن» در نتیجه انتخابات اثر گذار است؟

آموزش و پرورش بزرگترین وزارتخانه کشور است و از جهت باز تولید فرهنگ یا ایجاد تحول در فرهنگ عمومی اثر گذار ترین دستگاه است. (بگذریم از اینکه چقدر برای ناکار آمد کردن آب تلاش می کنند)

هر چندسال یکبار چهره های سیاسی به دانشگاه فرهنگیان می آیند، جوایز حال دانشجویان می شوند، از معلمان دفاع می کنند، درباره هر موضوع مرتبط و غیر مرتبط ابراز نظر میکنند، خلاصه روی فرهنگیان حساب های ویژه ای باز می کنند.

کاندید ها چه از فرهنگیان می دانند؟ آیا فردای انتخابات باید در پاسخ به مشکلات معیشتی در دفتر مدرسه تحصن کنیم؟ چرا خودمان را به «وعده ها» می فروشیم؟ خالی از لطف نیست که در رابطه با انتخاب مسئول، گریزی به سخن امام سجاد (ع) بزنیم:

اگر دیدید که مردی هستی اش خوب است و آهسته و به حالت خودمردگی صحبت می کند و در حرکاتش به ظاهر فروتنی می نماید شتاب مکنید و فریب چنین ظاهری را نخورید. اگر دیدید چنین فردی از حرام اجتناب می ورزد باز شتاب در حکم به صلاح وی ننمایید تا درست عقل او را آزمایش نمایید. اگر عقل او را کامل دیدید، باز شتاب در حکم به صلاح وی ننمایید تا به دست آوری که آیا به هنگام ریاست خواهی عقل را از دست می دهد و ریاست باطل را بسیار دوست می دارد یا نه.

اما مرد به تمام معنا و کامل آن است که هوا و هوس خود را در پیروی از فرمان خدا قرار دهد و همه نیروی خود را در خشنودی خدا مبذول دارد. (شرح خطبه حضرت زهرا)

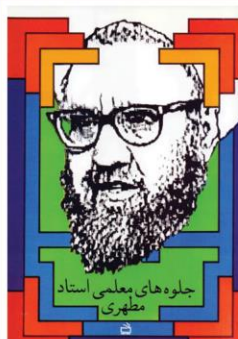
### یک خاطره

یکی از دانشجو معلمان پردیسمان در دور قبلی ریاست جمهوری به خاطر شرایط سنی، حق رای نداشت اما به تنهایی در روستایشان برای یکی از کاندید ها تبلیغ می کرد و تقریباً رای بخش عظیمی از روستا را جمع کرد. چطور می شود یک جوان بخاطر «آقا معلم» بودن این قدر اثر بگذارد؟ این روزها که با این دوست صحبت میکنم به شدت از تبلیغ برای آن کاندید پشیمان است اما دیگر فایده ای ندارد... "خودمان را دست کم نگیریم"

### مرتضی هنرداران

دهه ی فجر، دهه ی تجدید قوای نیروهای انقلابی با تجدید یادها و خاطره های پرشکوه آن روزهاست؛ دهه ی تجدید عهد و میثاق ملت ما با انقلاب است؛ دهه ی گرمی داشت بزرگترین معجزه ی الهی در این روزگارهاست. دهه فجر مقطع راهی ملت ایران است.

### مقام معظم رهبری



آنها که دستی در تعلیم و تربیت دارند و عمری را در این راه گذرانده اند، نیک می دانند که تدریس و آموزش چه هنر ظریف و دشواری است و تا چه اندازه نیازمند صبر و استقامت و نظم و دقت است. این کتاب به بیان جلوه هایی از معلمی استاد شهید مطهری از منظر شاگردان و درس آموختگان مکتب این شهید بزرگوار می پردازد.

\* برای دریافت این کتاب به کانال تلگرامی نشریه مراجعه فرمائید.

پیروزی نهایی وقتی است که اسلام، به همه ابعاد و به همه احکامش در ایران پیاده شود؛ و پیروزی بالاتر آن که در همه اقطار عالم، اسلام حکومت کند. اسلام مایه سعادت بشر است. حفظ این پیروزی از اصل پیروزی مشکل تر است.

### امام خمینی (رضوان الله)